

فرهنگ‌سازی امام سجاد (ع) با زبان دعا

دکتر محمدجواد سلمانپور*

چکیده

هر یک از ائمه اطهار(ع) برحسب شرایط زمان و مقتضای دوران حیات خود رسالت امامت و رهبری خود را پیش بردند و هرگز شرایط زمانه مانع آنان از ایفای نقش پیشبرد اسلام نگردید. برای امام سجاد(ع) شرایط و اوضاعی پدید آمد که بهترین راه، بلکه تنها روش برای ایفای رسالت، برگزیدن زبان و سلاح دعا بود. آن حضرت(ع) با زبان دعا به فرهنگ‌سازی در حوزه تعلیم و تربیت، تبلیغ و ستیز سیاسی پرداخت و فرهنگ دعای شیعی را نهادینه کرد و میراث گرانبهایی را در باب رابطه انسان و خدا برای مسلمین بلکه بشریت به ودیعه نهاد. در این مقاله سعی شده است که تلاش آن حضرت(ع) در فرهنگ‌سازی با زبان دعا در حوزه‌های دعا، تعلیم و تربیت و تبلیغ و ستیز سیاسی نشان داده شود.

واژه‌های کلیدی: ۱- صحیفه سجادیه ۲- فرهنگ‌سازی ۳- دعا

۱. مقدمه

ائمه اطهار(ع) هر یک شمعی در دوره تاریکی از حیات بشری بودند. هر یک به نحوی ظهور پیدا کردند و عنصری از عناصر فرهنگ و مکتب اسلام را تثبیت و نهادینه نمودند. ائمه اطهار(ع) با ظهور در زمان خود راهبردی خاص به مسلمین بلکه بشریت عرضه داشتند. آنان به تقاضای روزگار خود نمایان شدند، گاهی حلم و صلح، دوره‌ای شجاعت و جهاد، زمانی تقیه و تبیین و ... از آنان نمودار شد که در زمان امام عصر(ع) تمام آن ظهورات در آن امام (ع) متجلی خواهد شد (۱۰، ص: ۷۸).

ظهور امام سجاد(ع) به شکل دعا و نیایش بود. آن حضرت(ع) این عنصر فرهنگی تشیع و اسلام راستین را تثبیت و نهادینه نمود. با زبان دعا در مسجد و خانه خود برای دومین بار مکتب فرهنگی را تأسیس نمود، همان مکتبی که جد ایشان علی(ع) برای اولین بار ایجاد نمود^۱. تأسیس مکتب دعا توسط آن حضرت(ع) به ویژه با بارش صحیفه سجاده از وجود ایشان فقط برای بن بست شکنی و طرح ریزی حکومت دینی شیعی نبود، بلکه برای استكمال فرهنگ اسلامی و شیعی بود، زیرا عنصر دعا که نیاز ضروری برای بقای حیات معنادار انسانی است جزئی از فرهنگ و مکتب حیات بخش اسلام بوده و باید با ظهور انسان کاملی کمال می‌یافت و نهادینه می‌شد و اگر حق تبیین و تثبیت این عنصر فرهنگی توسط اسلام و اوصیای الهی ادا نمی‌شد، اسلام کمال نمی‌یافت.

برای تبیین عظمت مکتب دعای امام سجاد(ع) و فرهنگ سازی آن حضرت با زبان دعا، قبل از هر چیز باید ضرورت دعا برای حیات متعالی انسان و حقیقت دعا را مورد تحقیق قرار داد. ادعیه مأثوره از اوصیای الهی به ویژه صحیفه کامله سجاده بهترین منبع برای این تحقیق و بررسی است، زیرا مکتب امام سجاد(ع) قبل از هر امر دیگری نفس دعا را تعلیم می‌دهد و نهادینه می‌کند، سپس با زبان دعا نهاد تعلیم و تربیت، حق طلبی و ظلم ستیزی را پیش می‌برد و فرهنگ سازی می‌نماید.

بر همین اساس در این نوشتار ابتدا ضرورت دعا برای انسان و نهادینه شدن فرهنگ آن تبیین شده، سپس به اختصار فرهنگ سازی امام سجاد(ع) با زبان دعا در موضوع دعا، تعلیم و تربیت، حق طلبی و ظلم ستیزی مبرهن گردیده است.

۲. نهادینه شدن فرهنگ دعا در شیعه با ظهور صحیفه سجاده

امام سجاد(ع) به اقتضای زمان خود متظاهر به ظهور دعا و نیایش شدند و با این ظهور، قسمتی از فرهنگ تشیع را برای تمام دوران حیات تشیع بلکه مسلمین تثبیت کردند. این ظهور باید توسط یکی از اوصیای الهی به گونه‌ای که تمام ابعاد آن احیا، روشن و تثبیت شود متجلی می‌شد. خداوند امام سجاد(ع) را مأمور تجلی به این جلوه نمود. پیامبر(ص)، علی(ع)، فاطمه زهرا(ع)، و امام حسن و امام حسین(علیهم السلام) بلکه جمیع پیامبران سلف ظهور به جلوه‌ی دعا داشتند، اما ظلمات و مهلکات زمانه، آن ظهورات را به محاق کشانده بود و امام سجاد(ع) بود که حقیقت دعا را احیای و برای همیشه تثبیت نمود، از همین رو می‌توان ادعا کرد ظهور حضرت زین‌العابدین(ع) به شکل دعا و تهجد فقط به علت تحمیل زمانه نبود، بلکه حکمت و رسالت الهی چنان اقتضایی داشت.

ابن جوزی از دانشمندان اهل سنت اعتراف می‌کند که امام علی بن الحسین(ع) نسبت به امت اسلامی در باب دعا و کیفیت انشای سخن و گفتگو با خدا و عرض حوایج به پیشگاه او حق تعلیم دارد، چه آن‌که اگر آن امام و تعلیماتش نبود، مسلمانان نمی‌دانستند که چگونه باید با خدا سخن بگویند و با چه بیان اظهار نیاز به درگاهش بنمایند... (۲۸).

۱.۲. ضرورت دعا در حیات انسانی راز نهفته در فرهنگ دعای شیعی

برای تبیین اهمیت نقش صحیفه سجادیه و ظهور خاص امام سجاده(ع) و اثبات این نکته که صحیفه سجادیه ناشی از حکمت بالغه و رسالت الهی بوده و شرایط زمانه جزو علل ناقصه بلکه علت معده بوده است، ناگزیریم به ضرورت دعا در حیات انسانی اشاره‌ای داشته باشیم، زیرا راز تأسیس مکتب دعای شیعی به ویژه توسط امام سجاده(ع) در ضرورت حضور دعا در نهاد زندگی بشر و معنادار شدن آن نهفته است.

۱.۲.۱. **دلیل تاریخی:** تاریخ دعا به پیدایش انسان و هبوط آدم(ع) باز می‌گردد. احساس نیاز، خواستن و ناتوانی از درون و برون همواره با انسان بوده و همین احساس از اولین احساسات و ادراکات آدمی بوده است، بنابراین، از همان آغاز توسل و پناه بردن به قدرتی لایزال را برای آرامش و بقا خود ضروری می‌دیدند. از همین رو تاریخ بشریت هرگز از توجه در مبدأ عالم و دعا در درگاه او تهی نبوده است. آیات قرآن و روایات برخی دعاهای حضرت آدم و حوا را بعد از هبوط بیان می‌کنند (۲۱، ج: ۱، ص: ۱۲۵). همچنین از سایر انبیای الهی و امت‌های آنان دعاهای فراوانی در آیات و روایات نقل شده است.^۲ همین دعا و نیایش‌ها سرآغاز فصلی خاص در فرهنگ و حیات بشریت بوده است (۶، ج: ۷). تاریخ دعا دلیل روشنی است که دعا و توجه به قدرت مطلق لایزال جزو لاینفکی از حیات انسانی است، حتی اگر انسان غرق در کفر و بت پرستی باشد، باز زبان دعا در مقاطعی از زندگی وی با اوست.

۱.۲.۲. **دلیل فطرت:** در جای خود ثابت شده که واقعیت مخلوق از جمله انسان چیزی جز فقر و نیاز به غنی مطلق نیست (۱۵، ج: ۲، ص: ۱۳۱ و ج: ۸، ص: ۱۱۰ و ۱۷، ص: ۱۳۹) و این فقر امری مقطعی نبوده بلکه فقری سیال و دایمی است و فقر، فقیر و مفتقر^۳ به عین یکدیگرند. به بیان دیگر فقر عین تحقق ذات مخلوقات است و آنان عین ربط به خالقند و برای بودن جز رو به خالق داشتن و دریافت دایمی فیض راهی دیگری وجود ندارد، لذا چنین وجودی هرگز نمی‌تواند در جبلت و ذات خویش از دعا انفکاک پیدا کند، اگر چه از این حقیقت غفلت بورزد، افزون بر این که انسان در اصل و اساس خلقتش به حال دعا است، همان‌گونه که دعای تکوینی بر سراسر عالم طنین انداز است. اکثر انسان‌ها در غوغای شهوت، قسوت و جهالت از این دعا غافلند اما چنان‌که در تنگنای مصایب گرفتار

شوند، غوغاها فرو می‌نشینند و حجاب‌ها کنار می‌رود و آویختگی فطری و فقر جبلی خود را نمایان می‌سازد و در این هنگام انسان هوشیار شده و از سر اضطرار دست به دعا بر می‌دارد و به سوی او جوار^۳ می‌آورد و با تمام خلوص یا رب می‌گوید " و جاءهم الموج من كل مكان و ظنوا أنهم أحيط بهم دعوا الله مخلصين له الدين " (یونس/۲۲) " و ما بكم من نعمه فمن الله ثم اذا مسكم الضر فإليه تجثرون ".

۲.۱.۲. دلیل عقلی: تقریر اول؛ عقل آنان که آگاه به حقیقت ربط و فقر وجودی خود و جمیع مخلوقاتند حکم می‌کند که انسان ملزم به توجه تام به مبدأ متعالی عالم باشد، لذا این خردورزان جز با خدا با هیچ موجود دیگری ارتباط مسألت آمیز برقرار نمی‌کنند و به تمام وسائط به عنوان ابزار نظر دارند و روی نیاز به ابزار نمی‌آورند و چاره‌ای نمی‌بینند جز آن که دائماً در رابطه مستقیم با خدای خود باشند و حاجات خود را تنها از آن وجود غنی طلب کنند. چنین انسان آگاه و عاقلی چه در شدت و چه در رخاء و چه در تنگنا و چه در گشایش علی السوی مشغول دعا به درگاه پروردگار است.

تقریر دوم؛ انسان به محض توجه به وضع خود و واقعیات پیرامونش به انبوهی نیاز پی می‌برد که رسیدن به آن‌ها به تلاش و عمری بی‌نهایت نیاز دارد. انسان با عمر محدود خود در راه دستیابی به انبوه نیازهای بی‌حد و حصرش یا از یأس و سرخوردگی سر می‌آورد و یا به جنون تلاش که محنت‌زا برای خود و دیگران است مبتلا می‌شود. در این میان عقل راه سومی پیشنهاد می‌کند؛ انسان با دعا نیروی ناتوان خود را به مبدأ قدرت لایزال پیوندد زند و نیروی غیر متناهی الهی را به مدد طلبد تا از رهگذر انبوه نیازها دست‌خوش خلأ معنوی نشود، نه مأیوس گردد و نه به تلاش جنون آمیز واداشته شود، بلکه در راه اهداف متعالی استقامت نماید و از مشکلات نهراسد.

تقریر سوم؛ به حکم عقل دفع ضرر، خواه مقطوع، و خواه محتمل به شرط قدرت واجب است. بدون تردید دنیا محل آفات و بلیات بوده و انسان همواره در معرض آن حوادث است "دار بالبلاء محفوفه" (۳۰، خ: ۲۱۷). این واقعیتی مجرب و قطعی بوده و در متون اسلامی از آن سخن بسیار رفته است و از آن‌جا که آیات قرآنی و اخبار متواتر (۲۵، ج: ۴، ص: ۲۱۵) در هر حال دعا را تنها راه و ابزاری معرفی می‌کند که می‌تواند حوادث و شرور را برگرداند، عقل حکم می‌کند که انسان باید دائماً در حال دعا و التجاء به خداوند باشد.

حضرت امیر(ع) می‌فرماید: "ما المبتلی الذی قد اشدت به البلاء بأحوج الی الدعاء من المعافی الذی لایأمن البلاء" یعنی انسان گرفتاری که سخت در ورطه بلا افتاده نیازمندتر به دعا نیست از آدم بی‌بلائی که از عروض بلا در امان نیست (۳۰، حکمت ۲۹۴). در جای

دیگر آن حضرت (ع) می‌فرماید: "إدفعوا امواج البلاء عنكم بالسعاء قبل ورود البلاء" (۲۷)،

ج: ۹۰، ص: ۲۸۹).

امام سجاد(ع) در مناجات خود می‌فرماید: "... لا تجعلني ممن يبطره الرخاء و يصرعه البلاء فلا يدعوك الا عند حلول نازلة و لا يذكرك الا وقوع جائعة فيصرع لك خده و ترفع بالمسئلة اليك يده ... " (۲۷، ج: ۹۱، ص: ۱۳۰ و ۱۱، ج: ۳، ص: ۲۵۱)، آن امام(ع) در جای دیگری می‌فرماید: "الدعاء يدفع البلاء النازل و ما لم ينزل" (۲۵، ج: ۴، ص: ۲۱۶).^۴

۲. ۱. ۴. دلیل نقلی: الف - قرآن؛ "قل ما يعبؤا بكم ربى لولا دعاءكم" ای رسول ما! بگو تا دعای شما نباشد توجه و بذل عنایتی از سوی خدای من به سوی شما نمی‌شود" (فرقان/آیه آخر). بر مبنای این آیه بیان می‌دارد که دعا یگانه راه ارتباط بندگان با مبدأ بوده و عنایت خاصه پروردگار در پرتو دعا نصیب بندگان می‌شود و قدر و منزلت انسان در پیشگاه خدا در گرو دعای آنهاست.

"و قال ربكم ادعوني استجب لكم ان الذين يستكبرون عن عبادتي سيدخلدون جهنم داخرين" (مؤمن/۶۰). مراد از عبادت در این آیه دعا می‌باشد و آن‌که از دعا دست بردارد دچار نوعی استکبار شده است.

امام سجاد(ع) در دعای خود به همین آیه اشاره نموده و می‌فرماید: "... فسميت دعاءك عبادة و ترکه استکبارا و توعدت على ترکه دخول جهنم داخرين ... " (۱۳)، دعای ۴۵، ص: ۲۲۵).

مجموعه آیات در این موضوع که عدد آنها به ۳۰۰ می‌رسد، انسان را به دعا فرا می‌خواند و راز این دعوت نیز به فقر ذاتی انسان و غنای پروردگار باز می‌گردد.

ب- روایات؛ در این زمینه روایات زیادی به دست ما رسیده که توسط مرحوم کلینی (ج: ۴، صص: ۲۱۰-۳۹۳)؛ علامه مجلسی (ج: ۹۱ و ۹۰) و مرحوم فیض (ج: ۲، ص: ۲۲۸) و ری شهری (ج: ۳) نقل شده‌اند. افزون بر این‌ها، بهترین دلیل روایی، فقرات متعددی از صحیفه سجادیه است. با وجود این، این روایات و دعاها برای هیچ مسلمانی به خصوص شیعی در رو نیابردن به دعا معذور نیست. در این جا به ذکر چند نمونه اکتفا می‌شود.

امام صادق(ع) می‌فرماید: "ان عند الله منزله لا تنال الا بمساءله" (۲۳، ج: ۲، ص: ۲۸۳)، (۲۵، ج: ۲، ص: ۲۸۳). آن حضرت در جای دیگر می‌فرماید: "فاكثر من الدعاء فإنه مفتاح كل رحمة و نجاح كل حاجة" (۲۵، ج: ۴، ص: ۲۱۶).

نبی اکرم(ص) فرمودند: "افزعوا الى الله في حوائجكم و الجئوا اليه في ملماتكم و تضرعوا اليه و ادعوه فان الدعاء مخ العبادة" (۲۷، ج: ۹۳، ص: ۳۰۲).

راز پدید آمدن صحیفه سجادیه در همین ضرورت و نیاز بشری به دعا نهفته است. باید توجه داشت که آغاز مکتب دعا با علی(ع) بود، اما تثبیت و نهادینه شدن آن با پدید آمدن صحیفه سجادیه و دعاهای امام سجاد(ع) بود. شرایط و فضای زمان پدید آمدن، نحوه املای حضرت و کتابت آن به وسیله زیدبن علی و امام باقر(ع)، کیفیت حفظ آن در نسل بعد از آن حضرت و بالاخره نشر آن در میان امت اسلامی گواه این مطلب است.

۲.۲. تبیین فرهنگ دعا با زبان عا

امام سجاد(ع) به دو نحوه فرهنگ دعای شیعی را تعلیم دادند. اول با عرضه داشتن ادعیه صحیفه سجادیه. یعنی با خود دعا فرهنگ دعا را آموزش دادند و آنرا نهادینه و تثبیت کردند. در واقع صحیفه سجادیه یک دوره آموزش عملی و کاربردی دعا است. طریق دوم تعلیم فرهنگ دعا با زبان دعا در ضمن دعاهای صحیفه سجادیه بود.

امام(ع) در ضمن دعاهای خود ابعاد و جنبه‌های دعا را با زبان دعا بیان می‌کردند.

۲.۲.۱. هدف دعا: در حقیقت هدف دعای یاری جستن از خداوند قادر مطلق در ناتوانی‌ها بر کارهایی است که انسان در جهت کمال و یا برای زندگی باید انجام دهد. به بیان دیگر هدف دعا وصل و انضمام فقیر محض به غنی مطلق برای معنی یافتن "بودن" فقیر است.

«... و یا من لا تتقطع عنه حوائج المحتاجین» (۱۳، دعای ۱۳، فقره ۱۰، ص: ۷۱)
 «تمحدث بالغناء عن خلقک و انت اهل الغنی عنهم» (۱۲/۱۳، ص: ۷۱) «... و نسبتهم الی الفقر و هم اهل الفقر الیک فمن حاول سدّ خلّته من عندک و رام صرف الفقر عن نفسه بک فقد طلب حاجته فی مظانها و انی طلبته من وجهها...» (۱۴/۱۳، ص: ۷۱). «اللهم ولی الیک حاجه قد قصر عنها جهدی و تقطعت دونها جلی» (۱۵/۱۳، ص: ۷۲).

۲.۲.۲. عوامل کششی به دعا: امام(ع) عواملی را که سبب روی آوردن انسان به دعا در پیشگاه خداوند متعال می‌شود و به انسان توفیق می‌بخشد تا به فکر ضمیمه کردن قدرت لایزال حق به عجز خود باشد را در جاهای متعدد صحیفه سجادیه بر می‌شمارد. به عنوان نمونه حضرت عناصر باطنی و روانی زیر را سبب روی آوردن انسان به دعا می‌داند:

۱- آگاهی و اعتقاد به فضل و احسان خداوند

۲- حسن ظن و اعتماد به خداوند متعال

«... و یحدونی علی مسألتک تفضلک علی من اقبل بوجهه الیک و وفد بحسن ظنه الیک...» (۴/۱۲، ص: ۶۶). «... فضلک انسانی و إحسانک دلنی فأسألک بک و بحمد و اله علیهم ان لاتردنی خائباً...» (۲۵/۱۳، ص: ۷۴).

۳- آگاهی و یقین به غنای مطلق پروردگار و این که تنها او بر هر کاری قادر است.

۴- تشویق و امر خداوند به خواستن و دعا.

۵- یقین و آگاهی به شایستگی خدا برای عبادت.

«... و انت الذی دلتهم بقولک من غیبک و ترغیبک الذی فیہ حظهم علی ... و قلت : ادعونی استجب لکم ... و فسمیت دعاءک عباده (۱۴/۴۵ و ۱۵، ص: ۱۹۹). «... و دعوک بامرک ...» (۱۶/۴۵، ص: ۲۰۰).

۲.۲.۳. عوامل بازدارنده از دعا: از نظر آن حضرت(ع) عوامل متعدد و گوناگونی

انسان را از دعا و روی آوری به درگاه بی نیاز باز می‌دارد. از جمله آن‌ها عبارتند از:

۱- استکبار که مهم‌ترین عامل باز دارنده انسان از دعا است «... فسمیت دعائک عباده و ترکه استکباراً ...» (۱۵/۴۵، ص: ۱۹۹).

۲- کندی در انجام او امر خداوند.

۳- شتاب در ارتکاب معاصی و نواهی پروردگار.

۴- کوتاهی در شکر نعمات حق متعال.

سه امر اخیر عوامل دیگری است که آن حضرت در یک فقره دعا به عنوان عامل باز دارنده انسان از دعا ذکر می‌کند. «...اللهم انه یحجینی عن مسألتک خلال ثلاث ... یحجینی امر امرت به فباطأت عنه و نهی نهیتنی عنه فاسرعت الیه و نعمه أنعمت بها علی فقصرت فی شکرها...» (۱/۱۲ و ۲، ص: ۶۶).

۲.۲.۴. ارکان اصلی بایسته دعا: حضرت در تعلیم چگونگی دعا و نهادینه ساختن

فرهنگ دعا ارکان بایسته دعا را بیان می‌کنند. دعای مطلوب که در حقیقت عبادت، ذکر و اتصال فقیر به غنی است باید دارای چهار رکن اساسی و کلی باشد.

۱- توصیف و تمجید مدعو یعنی خداوند متعال

۲- توصیف و ستایش وسائط و وسایل یعنی محمد(ص) و اهل بیت او.

۳- توصیف و تذلیل داعی

۴- عرضه حاجات و خواسته‌ها

ساختار دعاهاى صحیفه سجادیه همه مشتمل بر این چهار رکن است، افزون بر این که در مواردی حضرت وقتی حال اولیا و دعا کنندگان حقیقی را بیان می‌کند دعای آنان را به گونه‌ای توصیف می‌کند که دارای ساختار چهارگانه فوق باشد.

الف: نمونه توصیف تمجید مدعو: در صحیفه سجادیه نمونه‌های توصیف و تمجید

خداوند متعال به عنوان مدعو و مرجع عرضه نیاز و حاجات بسیار زیاد و متعدد است و هیچ داعی خالی از این رکن نیست.

(۵/۵۱، ص: ۲۵۹)، (۷/۷، ص: ۵۷)، (۱/۱۳، ص: ۷۰)، (۱۹/۱۳، ص: ۷۲)، (۲/۵۴، ص: ۲۶۷)،
(۲۰/۱۳، ص: ۷۳)، (۱۰/۱۲، ص: ۶۸)، (۱۱/۱۳، ص: ۷۱)، (۲۵/۱۳، ص: ۷۴).

خدا کسی است که بخشش گناهان برایش سنگین نیست- تحمل جنایات زشت برایش
گران نیست- دعا کنندگان او را به زحمت نمی‌اندازند (۱/۴۶ الی ۲۵، صص: ۲۱۰-۲۱۴)،
(۱/۴۴ الی ۶، ص: ۱۸۹)، (۱/۴۷ الی ۳۲، ص: ۴۷-۲۱۸) و (۱۴/۴۹، ص: ۲۵۴).

ب: نمونه توصیف وسائط: دعاهای صحیفه مشحون از صلوات بر پیامبر (ص) و خاندان
او است. گویا دعای فاقد صلوات دعا نیست. افزون بر توصیف و ستایش پیامبر (ص) و اهل
بیت (ع) با صلوات، حضرت با زبان دعا با مضامین مختلف اعم از ذکر اوصاف پیامبر و
خاندان او، ذکر عملکردهای تاریخی آنان، ذکر مقام و منزلت آنان نزد خداوند متعال آنان را
توصیف و تمجید می‌کند و رکن دوم و اساسی دعا را به ما تعلیم می‌دهد و از خداوند
می‌خواهد که آنان را وسیله و شفیع در استجابات دعاهايش قرار دهد. «... و اجعل ذلک عدنا
الی و سببا لنجح طلبتی ...» (۶/۴۸، ص: ۲۴۴)، (۵۶/۴۵، ص: ۲۰۹)، (دعای ۱۴، ص: ۷۴) و
(۲۴/۱۳، ص: ۷۴).

ج: نمونه توصیف و تذلیل خود: بخش بزرگی از دعاهای صحیفه سجاده‌توصیف
دعای است. داعی در ضمن دعا خود را به فقر، نقص، عجز، جهل، گناه، ... می‌نماید و عرضه
می‌کند. در واقع این قسمت از دعاها یک نوع خودشکنی و استکبار زدایی فردی را که توأم
با نوعی تخلیه روانی برای فرار از احساس پوچی و بی‌هویتی است به ما تعلیم می‌دهد. این
نوع اقرار در نزد خداوند متعال نوعی معنایابی زندگی است.

دعایی که خالی از روح خود شکنی داعی و استکبار زدایی درونی باشد در حقیقت دعا
نیست و این اساس دعای حقیقی است که امام سجاد(ع) به صورت مستقیم و غیر مستقیم
به ما تعلیم می‌دهد. بسیاری از فقرات ادعیه با «انا الذی ...» (۷۴/۴۷ الی ۸۶، ص: ۲۲۹)
شروع می‌شود که حضرت(ع) در پی معرفی خود است. (۷/۲۱، ص: ۱۰۷)، (۲۱/۱۳، ص:
۷۳)، (۱۳/۱۶، ص: ۸۱)، (۷/۱)، (۱۰۷، ص: ۱۴/۱۲)، (۶۹، ص: ۶۹).

د: نمونه خواسته‌ها: ۱- میل و رغبت به خواسته‌ها و شوق به خواستن از خداوند
(۷/۵۴، ص: ۲۶۹) و (۶/۵۴، ص: ۲۶۹).

حضرت به ما تعلیم می‌دهد که همه چیز را از خداوند طلب کنیم. البته در خواسته‌ها
اولویت‌های اساسی مشاهده می‌شود: امور مربوط به آخرت و دین بر آنچه مربوط به دنیا
است مقدم است.

خواسته‌ها مادی و معنوی؛ فردی و اجتماعی؛ سیاسی، نظامی، اقتصادی و خانوادگی ...
هستند.

۲.۲.۵. حال دعا در حین دعا: حال دعا در حین دعا بستر اصلی و زمینه اساسی مؤثر بودن دعا است. امام سجاده(ع) هم با حال خود که از تک تک فقرات دعاهاى صحیفه آشکار است و هم در خلال ادعیه حال بایسته داعی را در حین دعا آموزش می‌دهد. داعی در حین دعا باید ذهنیتی خاص، دلی خاص و ظاهری خاص داشته باشد.

الف: ذهنیت خاص داعی در حین دعا: ۱- علم و یقین به استجاب و عفو الهی داشته باشد (۱۳/۱۲، ص: ۶۹).

۲- دعا را در راستای امر خدا تلقی کند (۱۱/۳۱، ص: ۱۴۴).

۳- در باب توحید و نبوت اعتقادات صحیح داشته باشد و (۷۲/۴۷، ص: ۲۲۸).

۴- قصد فرار از گناهان به سوی خدا داشته باشد (۸/۵۱، ص: ۲۶۰).

ب: کیفیت دل داعی در حین دعا: ۱- آکنده از اطمینان به خدا باشد (۱۰/۴۹، ص: ۲۵۳).

۲- ملامت از اعتماد و امید به خدا باشد (۲۱/۱۳، ص: ۲۱)، (۷۲/۴۷، ص: ۲۲۸)، (۸/۲۱، ص: ۱۰۷)، (۹/۲۸، ص: ۱۳۸۰) و (۱۱/۳۱، ص: ۱۲).

۳- مملو از رغبت و شوق به دعا و آهنگ خدا کردن باشد (۱۶/۱۷، ص: ۹۱).

۴- در دل فقط توکل و اعتماد داشته باشد (۱۶/۱۷، ص: ۹۱).

۵- دل تنها به خدا رو نماید و آکنده از اخلاص باشد (۴/۴۸، ص: ۲۴۳)، (۱۱/۵۲، ص: ۲۶۵)، (۱۱/۵۱، ص: ۲۶۱)، (۱۳/۱۳، ص: ۷۱)، (۸/۲۸، ص: ۱۳۸)، (۱۷/۱۳، ص: ۷۲)، (۱۱/۱۴، ص: ۷۶) و (۹/۲۸، ص: ۱۳۸).

۶- پر از ترس و خوف از خدا باشد (۱۶/۱۲، ص: ۷۰).

ج: وضعیت ظاهر داعی در حین دعا: ۱- تذلل و اظهار خواری (۷۳/۴۷، ص: ۲۲۸).

۲- اظهار فقر (۶/۱۲، ص: ۶۷).

۳- اظهار اخلاص (۷/۲۱، ص: ۱۰۷).

۴- گریه و سرعت در زاری (۱۵/۱۶، ص: ۸۱)، (۲۴/۳۱، ص: ۱۴۸).

۵- اظهار عجز و فقر، ترس، پناه جویی (۷۴/۴۷، ص: ۲۲۸).

۶- تضرع (۱۳/۴۸، ص: ۲۴۶)، (۹/۵۱، ص: ۲۶۰).

۷- اصرار در خواستن (۴/۴۶، ص: ۲۱۰).

۸- یادآوری امر خدا به دعا و وعده استجاب در طول دعا برای تقویت امید (۲۹/۳۱، ص: ۱۴۹).

۲.۲.۶. ثمرات دعا: دعا، جدای از آنچه که داعی از خدا درخواست می‌نماید و افزون بر استجاب آن‌ها، ثمرات متعدد دیگری در حین دعا و بعد از دعا در همین دنیا برای

شخص داعی دارد. امام سجاد این ثمرات را در ضمن دعاهاى خود بیان کرده است از جمله:

۱- داعی را محبوب‌ترین نزد خدا قرار می‌دهد (۱۳/۱۲، ص: ۶۹)، (۵۴/۴۵، ص: ۲۰۸).
 ۲- داعی به مرتبه صالحین و مؤمنین صعود می‌دهد (۲۲/۲۰، ص: ۱۰۳)، (۱۶/۱۷، ص: ۹۱).

۳- شیطان را از داعی حبس می‌کند (۸/۲۵، ص: ۱۲۵).

۴- در داعی لذات معنوی ایجاد می‌کند (۹/۲۲، ص: ۱۱۳) و به ویژه زیبایی تفرّد در دعا را مشهود داعی می‌کند «... زین لی التفرّد» (۱۱۰/۴۷، ص: ۲۳۳).

۵- داعی را از غفران پروردگار برخوردار می‌کند. اساساً دعا برای دیگران و هر نوع دعایی موجب غفران است ولو داعی درخواست غفران نکرده باشد (۱۴/۲۴، ص: ۱۲۲).

۶- تقدیر و تدبیر خدا را به نفع داعی می‌گرداند و به وی چیرگی می‌بخشد (۸/۵، ص: ۴۹).

۷- غم و ترس را در داعی فرو می‌کاهد (۲۰/۲۰، ص: ۱۰۲).

۸- داعی را از غضب خدا نجات می‌دهد و به خشنودی خدا می‌رساند (۱۶/۴۵، ص: ۲۰۰).

۹- به داعی عزت می‌دهد و احساس استغناء از غیر خدا و فقر به او می‌بخشد (۱۱۸/۴۸، ص: ۲۳۶).

۱۰- احساس عدم شکست به داعی می‌بخشد «... انه لا یضطهد من اوی...».

۲.۲.۷. عوامل استجاب دعا: امام سجاد(ع) در خلال دعاها به طور مستقیم و با خود ادعیه به صورت غیر مستقیم عوامل استجاب دعا را تعلیم دادند که نمونه آن‌ها عبارتند از:

۱- وجود حال دعا در حین دعا در داعی «... و لا ینجینی الا تضرع الیک و بین یدیک...» (۱۳/۴۸، ص: ۲۴۶)، (۷۳/۴۷، ص: ۲۲۸).

۲- رعایت بایسته‌ها و ارکان چهارگانه اصلی دعا (۵۶/۴۵، ص: ۲۰۹).

۳- اعتقاد صبح در باب توحید نبوت، امامت (۷۲/۴۷، ص: ۲۲۸).

۴- رو نمودن به وسائط و تمسک به آن‌ها ... و اتیتک من الابواب التی امرت ان تؤتی منها (۷۲/۴۷، ص: ۲۲۸) ... و لا شفاعة مخلوق رجوته الا شفاعة محمد و آل بیته... (۶/۴۸، ص: ۲۴۴).

۲.۲.۸. عوامل رد دعا

امام سجاد(ع) افزون بر برشمردن عوامل استجاب دعا، علل و عوامل رد دعا و بازگشت آن از سوی خداوند نیز بیان داشته‌اند از جمله آن‌ها:

- ۱- نسیان ذکر، غفلت از احسان و ناامیدی از استجاب (۸/۲۱، ص: ۱۰۷).
- ۲- ناامیدی از قدرت خدا «... و لا تحرمنی بالخیبه منک...» (۱/۴۱، ص: ۱۷۷).
- ۳- عدم اخلاص، حد و شریک و عدل برای خدا قرار دادن در دعا و استجاب (۵/۲۱، ص: ۱۰۶).

۲.۳. تبیین حقیقت زبان دعا

برای درک ماهیت دعای حقیقی در مکتب صحیفه سجاده قبل از هر چیزی باید حقیقت زبان دعا را بررسی و درک نمود از همین رو امام سجاده(ع) در خلال ادعیه زبان دعا را آشکار نموده است.

۲.۳.۱. زبان دعا وجه بیانی وجودی در انسان: منظور از زبان دعا الفاظ و گویشی که از صوت در فضای دهان پدید می‌آید نیست، بلکه وجه بیانی وجود انسانی است که می‌تواند در تمام انسان‌ها با تمام اختلاف گویش‌ها یکسان جریان یابد. در زبان دعا چون مخاطب خداوند متعال است، الفاظ موضوعیت ندارد، اگر چه وقتی دعا از زبان دعا بر زبان سر هم جاری شود و در قالب الفاظ به پیش گاه خداوند عرضه گردد دارای تأثیر بیشتری است و از همین جهت ائمه معصومین (ع) امر کردند که خواستن و خواسته‌ها را از خدا به زبان آوریم. امام صادق(ع) می‌فرماید: "إن الله تبارک و تعالی يعلم ما یرید العبد اذا دعاه و لکنه یحب أن تبث الیه الحوائج فإذا دعوت فسم حاجتک... " (۲۵، ج: ۴، ص: ۲۲۵).

الفاظ شفاهی یا کتبی زمانی در زبان موضوعیت پیدا می‌کند که مخاطب به غیر از الفاظ گوینده راه دیگری برای فهم و درک نیت و مراد او یا شهود وجه بیانی وجود او نداشته باشد، اما در زبان دعا مخاطب خداوند است که حتی قبل از داعی به باطن وی آگاه است و خواسته شکل گرفته در ضمیر داعی را حتی قبل از شکل‌گیری می‌داند.

در زبان عرفی لفظ و معنی ابتدا از یکدیگر جدا هستند سپس از طریق وضع لفظی را برای یک معنی قرار داده تا این‌که به آن معنی اختصاص پیدا کند. پس از این مرحله گوینده برای تفهیم منظورش به مخاطب الفاظ را در همان معنی با اراده جدی استعمال می‌کند. در این نوع تخاطب در جانب گوینده به خاطر محدودیت علم به وضع الفاظ و در سوی مخاطب به خاطر مواجهه با امکان معانی مختلف، احتمال خطا وجود دارد. در زبان عرفی فهم مراد گوینده در سه مرحله دلالت تصویری، دلالت تصدیقی استعمالی و دلالت تصدیقی کاشفه (۲۹، ج: ۳، ص: ۱۴۰ و ج: ۴، ص: ۷۱۶) صورت می‌پذیرد. و معنی فهم شده در نزد مخاطب را زمانی می‌توان به گوینده نسبت داد که ریشه در قصد جدی وی از آن معانی داشته باشد و این مراحل و کشف اتکای کلام گوینده به معنای جدی ذهنی همه از

طریق علم حصولی است. اما در زبان دعا اساساً وضع راه ندارد چرا که لفظی وجود ندارد بلکه بیان و معنی عین هم و با یکدیگر متحد هستند.

وجود عینی معنی در نفس حاضر است و بیان با اتکا به وجود عینی معنا و نه وجود ذهنی شکل می‌گیرد. در این مرحله ابتدا زبان دعا که نزدیک به زبان عرفان است محقق می‌شود و سپس ممکن است با الفاظ مأنوس عرفی بر زبان سر هم جاری شود در حالی که نمی‌تواند عین وجودات معانی را به عموم مخاطبین بشری القا نماید، بنابراین مخاطبین بشری از الفاظ آن دعاها در حد وسیع خود یک سلسله معانی را فهم می‌کنند. در این نحوه بیان انسانی، وجود عینی معنا و نه وجود ذهنی آن، قبل از حضور در نزد نفس انسان در نزد خداوند متعال حاضر است "إن الله يحول بين المرء و قلبه" (انفال/۲۴)، لذا وقتی دعا عبارت از "حضور وجود عینی درخواست" حتی قبل از توجه انسان به وجود خواسته خود باشد، خداوند متعال از آن آگاه است و انسان اساساً نیازی به تکلم و تفوه ندارد.

امام سجاده (ع) در دعاها صحیفه به دفعات به این حقیقت اشاره نموده، آن را لازمه سنت افضال پروردگار معرفی می‌کند: "... بل ملکیت یا الهی امرهم قبل أن یملکوا عبادتک و أعددت ثوابهم قبل أن یفیضوا فی طاعتک و ذلک ان سنتک الافضال ... " (۷/۳۷، ص: ۱۶۶).
 "... یا الهی فلک الحمد من عائبة سترتها علی فلم تفضحنی و کم من ذنب غطیته علی فلم تشهرنی و کم من شائبة الممت بها فلم تهتک عنی سترها ... " (۲۱/۱۶، ص: ۸۳).
 " فکم یا الهی من کرمة قد فرجتها و هموم قد کشفتها و عثرة قد اقلتها و رحمة قد نشرتها ... " (۲۴، دعای افتتاح).

۲.۳.۲. وجدان و فقدان زبان دعا معیار دعای حقیقی و دعای مجازی: تحلیلی

که از زبان دعا گذشت روشن می‌سازد که بسیاری از دعاها دعای حقیقی نیست، بلکه داعی و دعا مجازی است. دعای مجازی قابلیت استجابت ندارد و این راز عدم استجابت بسیاری از ادعیه مردم است. در حالات مختلفی داعی با زبان سر و الفاظ به دعا نشسته اما با زبان دعا از خداوند درخواست نمی‌کند.

گاهی داعی با زبان عرفی درخواست خود را به پیشگاه خداوند عرضه می‌نماید اما خواست و خواسته‌اش حضور عینی در قلب ندارد. معانی خواسته‌هایش معانی و مفاهیم ذهنی و برآمده از علم حصولی است و نه علم حضوری. دعا در این صورت به حمل اولی دعا است اما به حمل شایع دعا نیست، زیرا وجه وجودی بیانی خواست است و خواسته که همان معانی و زبان دعا می‌باشد در نفس و قلب معدوم است. دعای چنین داعی فقط لقلقه زبان بوده و ترجمان ذهن متحد با معانی الفاظ است و نه ترجمان ذهن متحد با قلب و معنی!

رسول الله(ص) دعای چنین شخصی را به عنوان دعای غافل و امام صادق(ع) دعای ساهی که شایستگی استجابت ندارد معرفی کرده‌اند "و اعلموا أن الله سبحانه لا يستجيب دعاء من قلب غافل" (۲۲، ج: ۲، ص: ۲۹۴). قال الصادق(ع) "ان الله لا يستجيب دعاء بظهر قلب ساه فإذا دعوت فأقبل بقلبك ثم استيقن بالاجابه" (همان).

و گاهی داعی با زبان عرفی دعا می‌کند و خدا را می‌خواند و از او مسألت می‌کند اما در درون او زبان دعا وجود ندارد، زیرا در حقیقت خدا را نمی‌خواند، در دل همه امید و نگاه او به اسباب عادی یا اموری است که به گمان او در زندگی مؤثر است، لذا با زبان سر خدا را می‌خواند اما با زبان دل اسباب و وسائط توهمی را می‌جوید، این نوع دعا نیز قابلیت استجابت ندارد و دعای مجازی است. در واقع داعی که در دعا اخلاص نداشته باشد داعی و دعا مجازی است.

امام سجاد(ع) لازمه دعای حقیقی را انقطاع کامل و اخلاص می‌داند "اللهم إني اخلصت بإنقطاعي اليك و اقبلت بكلي عليك و صرفت وجهي عنم يحتاج الي رفدك ... و رأيت أن طلب المحتاج سفه من رأيه ... فكم قد رأيت يا الهی من أناس طلبوا العز بغيرك فذلوا و راموا الثروة من سواك فافتقروا و حاولوا الارتفاع فأتضعوا ..." (۶/۲۸، ص: ۱۳۷).

۴.۲. فرهنگ سازی صحیفه در تدوین معاجم دعایی

صحیفه سجادیه ششمین کتابی است که در خاندان وحی تألیف یافته که از جهت محتوی و کیفیت تدوین بدیع و بی‌بدیل است. امام سجاد(ع) با تدوین آن، فرهنگ تدوین معاجم دعایی و کتب ادعیه را در بین مسلمین به خصوص شیعه نهادینه و ترویج نمود. بعد از پدیدار شدن صحیفه سجادیه، بزرگان دین و اولیا الهی از این مجموعه به نحوی تقلید کرده و مجامع دعایی متعددی را پدید آورده‌اند، در عین حال هیچ یک از این آثار به کمال صحیفه نرسیده است.

مرحوم شیخ آقا بزرگ در این باره می‌گوید: اصحاب ائمه(ع) در ضبط الفاظ و متون ادعیه‌ای که از ائمه(ع) روایت شده کمال سعی را به کار بردند و آن‌ها را در اصول و کتاب‌های خود نقل کردند که قسمت عمده‌ای از آن آثار با شرح حال مؤلفین آن‌ها از ما مفقود گردیده است (۴، ج: ۸، ص: ۱۷۳).

وی در ادامه به تفصیل به سیر تاریخی کتب ادعیه می‌پردازد و می‌گوید هنگام تألیف کشف الحجه در کتابخانه سید ابن طاووس حلی بیش از ۶۰ کتاب دعا موجود بوده و بعد از آن در وقت تألیف نهج الدعوات به سال ۶۶۲ ق بیش از هفتاد مجلد کتاب در ادعیه نزد او بوده است (همان، ص: ۱۷۵).

در الذریعه صدها کتاب با عناوین مختلف الادعیه، الدعاء، الزیاره، الدعوات و ... با عناوین خاصی معرفی شده است. مشهورترین آثار در این زمینه به قرار زیر است: *مصباح المتعبد* و *الاسبوع*، *فلاح السائل* از آثار سیدبن طاووس حلی، *عده الداعی و نجاح الساعی*، *التحصین فی صفات العارفین* تألیف شیخ ابن فهد حلی، *البلد الامین*، *المصباح* تألیف بهاء الدین عاملی و *زادالمعاد*، *مقباس المصابیح*، *تحفه الزائر* تألیف محمد باقر مجلسی (۶، ج: ۷، ص: ۵۲۰).

سبک صحیفه سجادیه از طرف دیگر باعث شد دانشمندان شیعی سایر دعاها را امام سجاد (ع) را به سبک صحیفه به عنوان مستدرک صحیفه سجادیه گردآوری نمایند که برخی عدد آن‌ها را به ۸ مورد رسانده‌اند (۲۶، ص: ۱۸).

شیخ حر عاملی مستدرکی به عنوان *الصحیفه الثانیه السجادیه* تألیف نمود و میرزا عبدالله افندی اصفهانی مستدرک دیگری تحت عنوان *الدرر المنظومه المأثوره* تنظیم کرد که به *صحیفه السجادیه الثالثه* معروف شد. حاج میرزا حسین نوری صحیفه چهارم و سید محسن امین بعد از او صحیفه پنجم را ترتیب داد (۳، ج: ۱، ص: ۶۳۸). از بعضی تراجم دانشمندان به دست می‌آید که قبل از تدوین *صحیفه ثانیه*، مستدرکی بر *صحیفه کامله* نوشته شده که صاحبان صحایف اربعه بر آن واقف نشدند. سید ناصر حسینی از شاگردان شیخ طوسی کتابی در دعاها را امام زین العابدین (ع) مشتمل بر ادعیه *صحیفه کامله* و سایر ادعیه مأثوره امام داشت (۱۰، ص: ۷۹).

۳. فرهنگ سازی در نهاد تعلیم و تربیت با زبان دعا

بدون تردید امام سجاد (ع) با زبان دعا مکتبی برای تعلیم و تربیت پدید آورد که در نوع خود بدیع بود. ۱- کیفیت تألیف و سند صحیفه سجادیه که در آغاز آن ذکر شده، ۲- فهرست ابواب صحیفه سجادیه، ۳- برخی فقرات دعاها آن، ۴- اوضاع و شرایط دوران امام سجاد (ع) و ۵- گشایش مکتب وسیع تعلیمی و تربیتی امام صادق (ع) بعد از دوران امام سجاد (ع) همه دلیل و گواه این مطلب می‌باشد که غرض حضرت (ع) از به کارگیری زبان دعا، فقط فرهنگ سازی برای عنصر دعا نبود، بلکه علاوه بر آن به دنبال تأسیس یک فرهنگ در نظام تعلیم و تربیت اسلامی نیز بوده‌اند.

آن حضرت (ع) در عصر خویش در مدرسه خود که خانه یا مسجد بود با قرائت بلند دعاها در نمازها، مناسبت‌ها، سحرها و با به ودیعه گذاردن آن دعاها به ویژه *صحیفه سجادیه* انسان‌ها را به نیل به جایگاه خود دعوت کردند و از همه خواستند تا با تلاش علمی و عملی به آن مقام رفیع برسند. دعاها را آن حضرت و سایر معصومین (ع) این پیام تعلیمی و تربیتی

را به همه انسان‌ها می‌دهند که در هر شرایطی راه دستیابی به کمالات بر روی انسان‌ها باز است، لذا باید از خدا خواست و به طرف آن کمالات حرکت کرد. اگر چه قبلاً گفته شد که در ادعیه معصومین(ع) به خصوص صحیفه سجاده، اصل "کلم الناس علی قدر عقولهم" رعایت نشده و ائمه اطهار(ع) با تمام مرتبه وجودی خود ظهور و تجلی نموده‌اند، اما دعای آن حضرات(ع) هم چون اقیانوس وسیعی می‌ماند که هر کس در حد سعۀ وجودی خود می‌تواند از آن‌ها تعلیم پذیرد و تربیت گردد. آنان به ما یاد دادند که از ساده‌ترین تا متعالی‌ترین مقاصد خود را از خدا بخواهیم، بنابراین، هر مرتبه از دعا و داعی که در انسان‌ها ظهور نماید در میان ادعیه حضرت سجاده(ع) مشاهده می‌شود و سر آن امر این است که امام سجاده(ع) مکتبی که تأسیس و تکمیل نمود برای عموم بود، در حالی که خواص را هم سیراب می‌کند و این ویژگی فقط در مکتب قرآن نازله یافت می‌شود و در هیچ یک از مکتب‌های تعلیمی و تربیتی دیگر به چشم نمی‌خورد.

مکتب داعی صحیفه سجاده، مکتب عرفان نیست که تا مبادی آن را ندانی راه نیابی و مکتب فلسفه هم نیست که تا منطق یاد نگیری در گشوده نشود. مبادی تصویری و تصدیقی مکتب دعا در صحیفه جان انسان‌ها نوشته شده که زبان دعا این صحیفه را قبل از دعا، حین دعا و بعد از دعا بر روی هر داعی در حد سعه وجودیش می‌گشاید.

راز اختلاف سطح در ادعیه مأثور و صحیفه سجاده در همین نکته نهفته است، لذا مکتب داعی ائمه اطهار به خصوص مکتب صحیفه سجاده قبل از هر خاصیت و اثری در صدد القای معارف بلندی هست که در روایات مورد سؤال واقع نشده است.

نکته دیگر که اثبات می‌کند امام سجاده(ع) با صحیفه سجاده در صدد تأسیس یک مدرسه فرهنگی برای تعلیم عموم و تربیت خواص بود این است که اگر جملات صحیفه سجاده را از شکل طلبی و انشایی خارج نموده و به شکل جملات اخباری بنویسیم، شاهد چندین کتاب در فلسفه، کلام، عرفان، علوم انسانی، علوم اجتماعی، سیاسی، نظامی و حقوق هستیم که در عالی‌ترین سطح قرار دارند و هر جمله این کتب می‌تواند به چندین کتاب در موضوع خود شرح و بسط داده شود. مثلاً در زمینه معارف الهی که جنبه فلسفی، عرفانی و کلامی دارد مطالب به صورت قضایای عقلانی، عرفان نظری، و کلامی در میان دعاها آمده است که خود محتاج نوشتن مجلدات فراوانی است.

کافی است که در این فقره از دعای سید الساجدین(ع) تأمل شود: "اللهم یا ذا الملک المتأبد بالخلود ... عز سلطانتک عزا ... و لا یبلغ ادنی ما استأثرت به من ذلک اقصى نعت الناعتین ... " (دعای ۱۱/۳۲ الی ۹، ص: ۱۵۰).

یا "... ابتدع بقدرته الخلق ابتداعا و اخترعهم علی مشیته اختراعا ثم سلک بهم طریق ارادته و بعثهم علی سبیل محبته ..." (دعای ۱/۳ و ۴، ص: ۳۰). از نظر علامه شعرانی این فقره از دعا به حرکت جوهری اشاره می‌کند (۱۲، ص: ۱۶).

۴. فرهنگ تبلیغ و مبارزه با زبان دعا

۴.۱. نهادینه کردن فرهنگ خطر ستیزی و بن بست شکنی

دوران امام سجاد(ع) به گونه‌ای بود که در جامعه اسلامی برای هر مسلمان نابی جهت پیشبرد اهداف و مقاصد والای اسلام بن بست وجود داشت و چنین می‌نمود که هیچ راهی برای در هم شکستن مخاطراتی که متوجه دین و دینداری واقعی و جامعه اسلامی بود وجود ندارد.

تبیین دقیق این بن بست و نبود راه خطر ستیزی نیاز به تحلیل و شکافتن فضای حاکم بر زمان سید الساجدین(ع) دارد که از مجال این مقاله خارج است. در عین حال در این‌جا اشاره اجمالی به مطلب وافی مقصود می‌باشد.

وضعیت حاکم در دوران امام سجاد(ع) بنا به تحلیل آیت الله خامنه‌ای چهار ویژگی داشت.

۱- **رعب و وحشت**؛ حادثه تکان دهنده کربلا اثر تکان دهنده‌ای در ارکان شیعه بلکه در تمام دنیای اسلام به جای گذاشت. پیش از این قتل، تعقیب، شکنجه و ظلم وجود داشت، اما دنیای اسلام کشتن اولاد پیغمبر(ص)، اسارت خانواده آن حضرت(ص)، سر بر نیزه کردن و گرداندن آنان و تخریب خانه خدا را به خود ندیده بود، لذا برای هر کس این یقین حاصل شد که شکنجه و آزار در این دوران از آن چه تاکنون حدس زده می‌شد بالاتر است. واقعه حره بر این رعب و وحشت افزود چرا که تاکنون جان، مال، ناموس مسلمین برای مسلم مباح نشده بود و در آن واقعه چنین شد.

۲- **انحطاط فکری**؛ در کنار جو رعب و وحشت، انحطاط فکری سرتاسر دنیای اسلام را فرا گرفته بود. این ناشی از بی‌اعتنایی به تعلیمات دینی در دوران ۲۰ ساله گذشته بود. مردم از پایه‌های اعتقادی و ایمانی سخت خالی و پوچ شده بودند.

۳- **فساد اخلاقی**؛ اخلاق مردم به شدت خراب شده بود. بزرگ‌ترین خواننده‌ها، رقاصه‌ها، نوازنده‌ها، عیاش‌ها، عشرت طلب‌های دنیا یا از مدینه و یا از مکه بودند. رجوع به کتاب *اللاغانی ابوالفراج* برای درک این فاجعه کافی است (۲، ج: ۱۰، ص: ۵۷).

۴- فساد سیاسی؛ اغلب شخصیت‌های بزرگ سر در آخور تمنیات مادی که به وسیله رجال حکومت برآورده می‌شد داشتند. نامه حضرت به بزرگی چون محمدبن شهاب زهری (۱، ص: ۱۹۸) گویای این واقعیت تلخ است.

در روایتی نقل شده که بعد از ماجرای عاشورا فقط سه نفر ماندند، ابو خالد کابلی، یحیی بن ام طویل و جبیر بن مطعم (۲۷، ج: ۴۶، ص: ۱۴۴)، البته روایت دیگری هست که اسم چهار نفر را ذکر می‌کند (همان) و در برخی روایات پنج نفر که این‌ها با هم قابل جمع می‌باشند.

امام سجاد(ع) خطاب به سهل بن شعب وضعیت خود را چنین بیان می‌کند که "وضع ما در میان قوم خود مانند وضع بنی اسرائیل در میان فرعونیان است که پسرانشان را می‌کشتند و دخترانشان را زنده نگه می‌داشتند. امروز وضع ما چنان دشوار است که مردم با ناسزاگویی به بزرگ و سالار ما بر فراز منبرها به دشمنان ما تقرب می‌جویند" (همان). امام سجاد(ع) به عنوان ولی الله در این فضا چه باید می‌کرد؟! کار عظیم خود را با چه کسی و چگونه باید شروع و پیش می‌برد؟!

مرحوم محمد باقر صدر در این باره می‌فرماید: "دو خطر عظیم مسلمین را تهدید می‌نمود: اول خطری که ناشی از فتوحات مسلمین و ورود فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف به جهان اسلام بود و آن محو اسلام اصیل در سایر فرهنگ‌ها بود. حفظ اصالت اسلام نیاز به تلاش و کوشش سخت و عظیم و وسیع علمی داشت و حال آن‌که کسی به فکر این خطر نبود.

دوم خطری که می‌رفت جمیع ارزش‌های اسلامی را واژگون سازد و اهداف عالی انسانی را تبدیل به اهداف پست مادی در جامعه اسلامی نماید. مبارزه با این خطر متوقف به کاری سخت‌تر و دشوارتر برای تهذیب و تربیت بود و باز کسی متوجه این خطر نبود. در این میان فقط امام سجاد(ع) متوجه این دو خطر بود (۱۴).

فضای حاکم بر آن دوران، فقدان راوی موثق، فقدان یآوری شجاع و ضرورت تقیه به ظاهر برای امام(ع) بن بست پدید آورده بود که گویا می‌بایست تسلیم آن شود. اما امام(ع) در این بن بست اخلاقی، فکری و سیاسی به تأسیس مدرسه دعا دست زد و با زبان دعا بن بست را شکست و به ستیز با خطرات رفت. در واقع دعا از این جهت پوششی برای فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و تعلیمی- تربیتی آن حضرت(ع) بود.

۲.۴. تربیت سیاسی با زبان دعا

امام(ع) در راستای بن بست شکنی و خطر ستیزی به تربیت انسان‌هایی شجاع همت گمارد که بتوانند با روشنگری و تبیین معارف الهی مسیر اسلام راستین و تشیع سرخ علوی

را استمرار بخشند. در اثر تلاش‌های بنیادی امام(ع) افراد زیادی در مکتب آن حضرت تربیت معنوی، علمی و سیاسی شدند که نام ۱۷۰ تن از آنان در کتب رجالی و تراجم آمده است(۱۹، ص: ۱۱۹ و ۱۸۱). به عنوان مثال یکی از این شاگردان یحیی بن ام طویل است که در مسجد پیامبر(ص)، در مدینه، برای مردم سخن می‌گفت و طرفداران ستمگران را این چنین مخاطب قرار داد: "ما مخالف شما و منکر راه و روش شما هستیم. میان ما و شما دشمنی آشکار و همیشگی است. هر کس به امام علی(ع) دشنام دهد، لعنت خدا بر او باد و ما از آل مروان و آنچه غیر خدا می‌پرستید، بیزاریم." به همین جهت حجاج ابن یوسف دست‌ها و پاهای او را قطع کرد و این شاگرد مکتب امام سجاد(ع) دنیا را وداع کرد(۲۵، ج: ۴، ص: ۸۹).

اصولاً شخصیت امام زین العابدین(ع) به عنوان نمونه‌ای متعالی از مبارزه علیه حکومت اموی مطرح بود و مردم او را با همین جهت‌گیری می‌شناختند. در همین راستا نام و یاد ایشان از نظر خلفای بنی امیه و بنی مروان جرم محسوب می‌شد و کسانی که حضرت(ع) از آنان ستایش و تعریف می‌کرد، به زندان افکنده و از بیت المال محروم می‌ساختند، چنان‌که فرزندق شاعر دچار چنین عاقبتی شد. او که فقط شعری در مدح علی ابن الحسین(ع) خواند به زندان افتاد و نامش از دیوان مالی حذف شد(۲۷، ج: ۴۶، ص: ۱۲۷). دستگاه خلافت تا آن‌جا از شخصیت سیاسی حضرت بیم داشت که حجاج در نامه‌ای به عبدالملک می‌نویسد: "اگر می‌خواهی حکومت تو تثبیت گردد و استمرار یابد، باید علی ابن الحسین را به قتل برسانی" (همان، ص: ۲۸).

اساساً فردی که به نیایش‌های آن بزرگوار در صحیفه فکر کند، به خوبی می‌فهمد که چگونه باید از ستمگران بیزار جویید و به یاری مظلومان بشتابید و در این راه حرکت خود را بر اساس امامت امامان راستین(ع) قرار دهد. مثلاً دعای ۳۸ که در نکوهش ظالم و دعای ۲۰ که در بیان ستیز با ظالم و دعای ۴۷ که در معرفی امام راستین است این واقعیت را به روشنی آشکار می‌کند. در دعای ۴۸ امام به موضوعاتی چون مقام خلافت که خاص اوصیای الهی است، یورش و غضب مقام خلافت، تبدیل و واژگون شدن احکام خدا و غفلت آن‌ها، واجبات تحریف شده و سنت متروک شده پیامبر(ص) می‌پردازد و در هنگامی که بر فراز منابر، امیرمؤمنان(ع) را لعن می‌کنند، به مقام امارت و رهبری می‌پردازد و آن‌را خاص اهل بیت(ع) که از هر پلیدی پیراسته‌اند و واسطه بین خالق و خلق‌اند معرفی می‌کند و در حالی که اطاعت از ائمه را واجب الهی معرفی می‌کند، می‌فرماید دین فقط به وسیله امام منصوب تقویت می‌شود.

۴.۳. طرح ریزی حکومت دینی با زبان دعا

اگر به موضوعات مطرح در صحیفه سجادیه خوب تأمل شود و مضامین برخی دعاهاى آن موشکافی گردد به خوبی می‌توان دریافت که در مجموع، حضرت(ع) طرح ریزی و بنای یک حکومت دینی با زبان دعا را دنبال می‌کرده است.

حکومت دینی قبل از هر چیزی به یک بنیاد اعتقادی و آرمانی مستحکم و سپس به رهبری و زعامت دینی نیاز دارد و در مرتبه سوم، دستور العملی برای تنظیم روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصاد و ... می‌طلبد.

آنچه در صحیفه آمده نشان می‌دهد که امام(ع) این سه امر ضروری برای تشکیل حکومت دینی را اساس قرار داده و به ارائه آن‌ها پرداخته است. حتی فهرست موضوعی صحیفه می‌تواند گویای این حقیقت باشد، لذا در این‌جا فهرست کلی ابواب صحیفه موضوعی که به همت آقای غروی‌ان تهیه شده است اشاره می‌شود.

- ۱- باب توحید و بحث در باره خدا و صفات خدا.
- ۲- باب نبوت و بحث در باره بعثت انبیا و هدف آنان.
- ۳- باب امامت و مسأله رهبری بعد از پیامبر(ص).
- ۴- باب معاد و مقصد نهایی از خلقت انسان.
- ۵- باب اسلام و معرفی اسلام و دستورالعمل‌های آن.
- ۶- باب فرشتگان و مأموریت‌های آنان.
- ۷- باب اخلاق و صفات عالی انسانی.
- ۸- باب طاعات و نحوه اطاعت و عبادت خدا.
- ۹- باب ذکر و دعا و نحوه دعا کردن.
- ۱۰- باب سیاست و تدبیر کشور، شهر، بخش، خانه و تدبیر کلیه امور.
- ۱۱- باب اقتصاد و کلیات امور مالی.
- ۱۲- باب انسان و معرفی چیستی و کیستی او.
- ۱۳- باب وجود و هستی شناسی.
- ۱۴- باب اجتماع و بیان مسایل جامعه شناسی.
- ۱۵- باب علم و ارزش دانش.
- ۱۶- باب زمان و شناخت اوقات.
- ۱۷- باب تاریخ و شناخت تاریخ و عبرت‌ها.
- ۱۸- باب صحت و تندرستی.
- ۱۹- باب نظامی‌گری و مسایل نظامی و دفاع (۲۰).

در این تعالیم اندیشه‌ای انقلابی، سیاسی و اجتماعی نهفته که با زبان دعا آن را بارور می‌سازد و زیر بنای یک حکومت فراگیر دینی را تشکیل می‌دهد. دیری نپایید که این اندیشه خود را نشان داد. وقتی که اندکی فضا باز شد مکتب تعلیمی امام صادق و امام باقر (علیهما السلام) مالمال از شاگرد شد.

روایتی در کافی از ابو حمزه ثمالی نقل شده که " خداوند قرارش بود که این امر [حکومت عدل اسلامی به دست ائمه (ع)] در سال ۷۰ اتفاق افتد، وقتی مردم کمک نکردند و امام حسین (ع) در سال ۶۱ شهید شد و خداوند بر مردم خشم گرفت آن را به سال ۱۴۰ تأخیر انداخت؛ ما به شما شیعیان گفتیم که قرار است جریان در سال ۱۴۰ به وقوع بپیوندد و بناست حکومت آن وقت تشکیل شود اما شما جریان را فاش ساختید. وقتی افشا کردید دیگر خداوند زمانی را تعیین نکرد" (۲۵، ج: ۲، ص: ۱۹۰). ۶

سال ۷۰ نه سال بعد از واقعه کربلا و زمان امامت امام سجاد (ع) است و سال ۱۴۰ سالی است که امام صادق (ع) رحلت فرمودند: واقعاً اگر قرار بوده سال ۷۰ یا ۱۴۰ حکومت تشکیل شود بایستی زیر بنای فکری و رهبردی این حکومت آماده می‌شد! آیا نمی‌توان صحیفه سجادیه را در این راستا ارزیابی نمود؟!

یادداشت‌ها

- ۱- حسن الامین در این باره می‌گوید: " یعتبر علی بن الحسین المؤسس الثانی للمدرسه الاسلامیه، اذ أن جده علی بن ابی طالب هو المؤسس الاول" (۷، ج: ۱، ص: ۳۵).
- ۲- خداوند در باره ابراهیم می‌فرماید: ان ابراهیم لأواه حلیم (توبه/ ۱۱۴) و امام باقر (ع) در بیان کلمه او در این آیه می‌فرماید: الأواه هو الدعاء (۲۵، ج: ۴، ص: ۲۱۰). در حدیث قدسی خداوند خطاب به موسی می‌فرماید: یا موسی مر عبادی یدعونی و از عیسی چنین می‌خواهد: یا عیسی آمن بی و تقرب الی المؤمنین و مرهم ان یدعونی معک (همان، ص: ۲۲۳). قرآن خطاب به رسول اکرم (ص) می‌فرماید: قل ادعوا الله (اسراء/ ۱۱۰).
- ۳- هر وقت به انسان خطری غیر قابل دفع رسید و سانحه غیر قابل تحمل برایش رخ داد و راه دفاعی برایش باقی نمانده باشد به سوی خدا گرایش پیدا می‌کند و لایه رفاه طلبی و ناله نجات خواهی و بانک فریاد رسی سر می‌دهد این استغاثه مخصوص را جوار گویند (۵، ص: ۷۷).
- ۴- باید توجه داشت که استناد به نقل و روایت در این استدلال جنبه صغروی دارد و موجب نقلی شدن استدلال نمی‌شود.
- ۵- علامه مجلسی در شرح این روایت می‌گوید "تخصیص به مرده در این روایت به این جهت است که در میان مردم شایع و معمول است که برای سر سلامتی به بازماندگان طبق معمول و مرسوم برای مرده دعا می‌کنند بدون این که توجهی به مرده و اصل دعا داشته باشند" (۲۵، ج: ۴). بر طبق

فرهنگ سازی امام سجاده(ع) با زبان دعا ۱۰۵

این شرح از روایت، دعای این چینی اساساً مبتنی بر معانی ذهنی نیست و فقط دلالت تصویری دارد لذا نمی‌توان دعا به حساب آورد.

۶- دانشمندان و محدثین شیعی در تفسیر این حدیث آرای مختلفی ابراز داشته‌اند و برخی رأی به اجمال آن داده‌اند(۲۵، ج:۲، ص: ۱۹۰).

منابع

۱. ابن شعبه حرانی، ابومحمد، (۱۳۶۴ق)، *تحف العقول*، بیروت: مؤسسه الأعلمی.
۲. ابوالفرج اصفهانی، (۱۳۲۴)، *الآغانی*، ۲۱ جلدی، بولاق.
۳. امین، سید محسن، (بی‌تا)، *اعیان الشیعه*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۴. تهرانی (آقا بزرگ)، محمد محسن، (۱۴۰۸ق)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، قم: اسماعیلیان.
۵. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۶۴)، *مبدأ و معاد*، قم: انتشارات الزهراء.
۶. حائری، سید مهدی، (۱۳۸۰)، *دایره المعارف تشیع*، ج ۷، تهران: نشر شهید محبی.
۷. حسن الامین، (۱۴۰۱ق)، *دائرة المعارف الاسلامیه الشیعه*، بیروت: دارالتعارف.
۸. خامنه‌ای، علی، (۱۳۶۱)، *پژوهشی در زندگی امام سجاده(ع)*، تهران: دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی.
۹. خراسانی، محمد کاظم، (۱۴۱۲ق)، *کفایه الاصول*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۰. خیابانی تبریزی، ملا علی، (۱۳۸۵ق)، *وقایع الایام*، تبریز: کتابفروشی قرشی.
۱۱. ری شهری، محمد، (۱۳۶۲)، *میزان الحکمه*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۲. شعرانی، ابوالحسن، (بی‌تا)، *صحیفه سجاده*، ترجمه و شرح شعرانی، تهران: کتاب فروشی اسلامی.
۱۳. *صحیفه سجاده*، (۱۳۷۹)، ترجمه علی شیروانی، قم: دارالفکر.
۱۴. صدر، محمد باقر، (۱۴۱۹ق)، *مقدمه صحیفه سجاده*، بی‌جا، دارالمشعر.
۱۵. صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم، (۱۹۸۱م)، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۶. طباطبائی، محمد حسن، (۱۳۹۳ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۱۷. _____ (۱۳۶۳)، *نهایه الحکمه*، قم: انتشارات دارالتبلیغ.

۱۸. طوسی، ابوجعفر محمد، (۱۳۸۱ق)، رجال طوسی، نجف: الحیدریه.
۱۹. _____، (۱۳۴۸)، اختیار معرفه الرجال، تصحیح و تعلیق حسن مصطفوی، مشهد: دانشگاه مشهد.
۲۰. غروی، محسن، (۱۳۸۲)، صحیفه موضوعی، قم: دفتر نشر معارف.
۲۱. فعال عراقی، حسین، (۱۳۷۸)، داستان‌های قرآن و تاریخ انبیاء در المیزان، تهران: نشر سبحان.
۲۲. فیض، محسن، (۱۳۸۳ق)، المحججه البيضاء، ۸ جلدی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. _____، (۱۳۹۹ق)، تفسیر الصافی، مشهد: دارالمرتضی للنشر.
۲۴. قمی، عباس، (۱۳۷۸)، مفاتیح الجنان، تهران: انتشارات حر.
۲۵. کلینی، محمد ابن یعقوب، (بی تا)، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، ۴ جلدی، تهران: نشر اهل البيت.
۲۶. مبشری، اسدالله، (۱۳۷۰)، مقدمه صحیفه سجادیه، ترجمه و مقدمه مبشری، تهران: نشر نی.
۲۷. مجلسی، علامه محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۸. مرعشی نجفی، شهاب الدین، (۱۳۶۱)، مقدمه صحیفه سجادیه، مقدمه نجفی مرعشی، تهران.
۲۹. نائینی، میرزا محمد حسین، (۱۴۱۲ق)، فوائد الاصول، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۳۰. نهج البلاغه، (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، قم: نشر روح.